

بازخوانی عشق بمتابه مؤلفه‌ی تأثیرگذار در

خداگونگی انسان از منظر مایستر اکهارت و ملاصدرا

سیدمحمد قادری^(۱)

احسان کردی اردکانی^(۲)

چکیده

کلیدواژگان: عشق، خداگونگی، روح، اکهارت، ملاصدرا.

اکهارت و ملاصدرا از عشق بعنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در خداگونگی انسان نام می‌برند. اکهارت ذات نفس را با ذات خداوند یکسان و واحد میدانند و نتیجه می‌گیرد که عشق به خداوند، در ذات انسان نهفته است و با تأکید بر دو ویژگی عشق، یعنی انحصارگرایی و شبیه‌سازی، معتقد است عشق به خدا سبب میشود دیگر عشقها فراموش شوند و در عشق به خداوند خلاصه گردند؛ تنها عشق موجود، عشق به خداوند است. عشق بمتابه محرکی درونی، کشش و جذب‌یابی در روح ایجاد میکند که آرام و قرار را از فرد می‌گیرد و او را وامیدارد تا خود را شبیه معشوق کند. ملاصدرا نیز –مانند اکهارت– بر عنصر شبیه‌شدن عاشق به معشوق تأکید میکند و معتقد است عشق الهی در تار و پود وجود انسان تنیده شده است. در این مقاله، با توجه به شباهتهای یادشده، میکوشیم با استفاده از روش توصیفی –تحلیلی، تأثیرگذاری عشق در خداگونه‌شدن انسان را با استناد به آثار اکهارت و ملاصدرا روشن سازیم.

۱. مقدمه

مسئله رابطه انسان و خدا و خداگونه شدن وی از دیرباز موضوع اندیشه بسیاری از متفکران و اندیشمندان بوده است. بسیاری از متفکران مسیحی معتقدند انسان بر خلاف دیگر مخلوقات، بر صورت خدا خلق شده اما گناه انسان و هبوط وی باعث شده تصویر درخشان و روشن او از خدا تیره و تار شود و در پی آن، شباهتش به عدم شباهت مبدل گردد. بازگشت انسان به خدا این عدم شباهت و فاصله بین انسان و خدا را از میان برخواهد داشت. هبوط و فاصله ناشی از آن بود که سبب شد انسان عشق خود را بجای خدا به مخلوقات معطوف کند، در حالیکه تنها راه چاره بازگشت تدریجی او بسوی خدا از طریق عشق و محبت قدسی است (ایلخانی، ۱۳۸۹: ۶۹؛ ژیلسون، ۱۳۸۹: ۸۳؛ Payn, 1998, p. 624). بهمین دلیل دهلیز ورود به راه خدا و خداگونگی، عشق است و

* تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۳ تاریخ تأیید: ۹۹/۴/۲۴ نوع مقاله: پژوهشی

(۱). دانش‌آموخته دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین (نویسنده مسئول)؛ mohammad.qadery@gmail.com

(۲). استادیار دانشگاه اردکان؛ e.kordi@ardakan.ac.ir